

## توافق امنیتی ترکیه - ایران

بهرام رحمانی

[bamdadpress@telia.com](mailto:bamdadpress@telia.com)

رجب اردوغان، نخست وزیر ترکیه، عصر روز سه شنبه ۷ مرداد ۱۳۸۳ - ۲۸ جولای ۲۰۰۴، وارد تهران شد. محمدرضا عارف، معاون اول رییس جمهور، از اردوغان استقبال کرد. طرفین پس از مراسم تشریفاتی مجموعه مذاکرات خود را در سعدآباد آغاز کردند.

بنا به گزارش رسانه ها، اردوغان، در دیدارش با عارف، از جمله تروریسم را تهدید جدی برای منطقه و جهان دانست و با تاکید بر همکاری ها در مرزها خواستار گسترش رایزنی ها و همکاری های امنیتی بیشتر دو کشور در این خصوص شد. عارف نیز در مقابل با محکوم کردن تروریسم جهانی، همکاری دو کشور در خصوص مبارزه با این پدیده را مهم دانست. در بخش دیگری از مذاکرات، هیات تجاری همراه اردوغان، با هیات ایرانی دیدار کردند.

نخست وزیر ترکیه، در سفر سه روزه خود درباره موضوعاتی نظیر تحولات عراق، امنیت مرزهای مشترک، مبارزه با تروریسم، مسئله کرد، پناهجویان، صدور گاز و دیگر مسایل اقتصادی، سیاسی و نظامی با مقامات جمهوری اسلامی به بحث و گفت و گو و تبادل نظر نشست.

مقامات ترکیه، قبل از سفر اردوغان به ایران، اعلام کرده بودند که خواستار افزایش همکاری تهران علیه چریک های حزب کارگران کردستان «پ.ک.ک.» و «گنگره گل» که در مناطق شمال عراق و نزدیک مرزهای ایران مسقتر هستند. مقامات جمهوری اسلامی نیز خواستار مشابهی را مطرح کرده اند.

در این سفر اردوغان را که تاکنون دو بار نیز به تعویق افتاده، تعدادی از وزرا، صاحبان صنایع و بیش از ۴۰ روزنامه نگار همراهی کردند. رجب اردوغان در این سفر، با خاتمی رییس جمهور، هاشمی رفسنجانی، رییس تشخیص مصلحت نظام و حداد عادل رییس مجلس شورای اسلامی دیدار و گفت و گو کرد.

بنا به گزارش سایت «بی بی سی»، اردوغان، در گفت و گو با رییس جمهور ایران، همچنین از لزوم حفظ تمامیت ارضی عراق سخن گفت و خواهان همکاری میان ایران و ترکیه علیه تروریسم شد... خاتمی هم گفت: دو کشور با تهدیدات مشترکی رو به رو هستند و باید برای مبارزه با تروریسم دست به برنامه ریزی مشترک بزنند... در دیدار با حداد عادل نیز اردوغان خواهان گسترش روابط امنیتی، اقتصادی و سیاسی میان دو کشور شد.

سرانجام رژیم های ترکیه و ایران، در ضمن این که بر سر برخی قراردادهای تجاری، به توافق نرسیدند، اما بر سر مسایل امنیتی توافق نامه مشترکی را امضاء کردند. براساس این توافقنامه امنیتی دولت ترکیه و ایران، در سرکوب مخالفین کرد با همدیگر همکاری خواهند کرد.

واقعا زمانه ما، زمانه غریبی است. زمانه ای که تروریست های دولتی در جهت پیشبرد اهداف غیرانسانی خود با هم متحد می شوند؛ وارد معاملات اقتصادی، سیاسی و نظامی می شوند؛ طرح های هولناک مشترک سرکوب، ترور، کشتار و جنگ می ریزند و بی شرمانه اسم رمز آن را مقابله با تروریسم می گذارند. طرح هایی که حداقل پس از جنگ جهانی دوم، توسط آمریکا و متحدانش در سطح بین المللی طرح ریزی و به مرحله عمل درآمده است. کودتاها و ترورها و کشتارها و سازمان دهی جریانات تروریستی و مافیایی اسلامی و غیراسلامی، تنها گوشه هایی از انبوه جنایات اکثر حکومت های جهان از نوع دیکتاتوری و یا دمکراتیک است.

تاریخ شاهد است که دولت آمریکا و متحدانش، دار و دسته های مجاهدین افغان و از جمله القاعده را مسلح کردند تا در راستای اهداف شان علیه شوروی بجنگند. اسرائیل، سازمان تروریستی اسلامی

حماس را به وجود آورد تا به زعم خود نیروهای چپ سازمان های فلسطینی را در تنگنا قرار دهد. در اسرائیل، علاوه بر ارتش و سازمان های اطلاعاتی، گروه های مذهبی مخوف نیز مسلح هستند. این کشور، بیش از پنج دهه است که سرزمین های فلسطینی ها را به اشغال نظامی خود درآورده و همواره برای نابودی مردم محروم و تحت ستم فلسطین از هیچ جنایتی فروگذار نمی باشد.

در بحبوحه انقلاب ۵۷ مردم ایران، انتقال قدرت به گرایش ارتجاع مذهبی، که عزم سرکوب خونین انقلاب را کرده بود، در کنفرانس «گوادولوپ» مورد حمایت و پشتیبانی دول امپریالیستی قرار گرفت تا از یک سو کمربند سبز اسلامی در مرزهای شوروی کشیده شود. از سوی دیگر میدا سرنوشت انقلاب به دست کارگران و مردم محروم و تحت ستم رقم زده شود و منافع سرمایه داری در این کشور در معرض خطر قرار گیرد.

همچنین حزب اسلامی «عدالت و توسعه» حاکم در ترکیه، که رجب اردوغان رهبر آن است با حمایت دولت آمریکا، سر پا ایستاده است.

دولت های ترکیه و ایران، حداقل بعد از جنگ جهانی اول و تقسیم امپریالیستی جهان، با حمایت آمریکا، بی وقفه مردم کرد در خاورمیانه را کشتار کرده اند. ژنرال کنعان اورن، رهبر کودتاگران در سپتامبر ۱۹۸۰، در جواب خبرنگاری که از او در رابطه با کشتار مردم کرد در ترکیه، پرسیده بود، اقرار کرد که طرح های هولناکی در آرشیوهای دولتی و نظامی کشور مبنی بر سرکوب خونین کردها وجود دارد. از آن تاریخ تاکنون در کردستان ترکیه، حکومت نظامی برقرار شده است و هنوز هم با وجود ادعای دولت ترکیه مبنی بر لغو حالت فوق العاده نظامی در این منطقه، هم چنان شبخ مرگ بار ارتش، پلیس، ژاندارم و میت، بر بالای سر مردم کرد در حرکت است.

رژیم پهلوی، تا آخرین لحظه حاکمیت اش مردم کرد را سرکوب کرد و حتا جنگل های این منطقه را نابود نمود تا رفت و آمد نیروهای پیشمرگ را محدود سازد. رژیم جمهوری اسلامی نیز ۲۵ سال است کردستان را میلیتاریزه کرده است.

مهم تر از همه رژیم جمهوری اسلامی، در سازمان دهی و طراحی عملیات تروریستی علیه اپوزیسیون و کمک به سازمان های تروریستی اسلامی در جهان زبان زد عام و خاص است.

دولت آمریکا، به دنبال فروپاشی شوروی، این رقیب سرسخت اش با هدف اعمال سلطه بلامنازع اقتصادی، سیاسی و نظامی خود بر جهان، به ویژه پس از واقعه تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در آمریکا، فرصت را غنیمت شمرد تا طرح ها و نقشه هایی را که از قبل در دست داشت با سرعت غیرقابل تصویری به مرحله اجرا درآورد؛ نخست افغانستان و سپس عراق را به اشغال خود درآورد و قبل از آن نیز یوگسلاوی سابق را بمباران هوایی کرده و شاهرگ های اقتصادی این کشور، یعنی صنایع نفت، کارخانه ها، جاده ها، پل ها و سدهای این کشور را ویران ساخته بود، اسم رمز این تجاوزات آشکار نظامی و تروریستی خود را «مبارزه با تروریسم» و برقراری «دمکراسی» نام نهاده است.

بدین ترتیب همه گرایشات تروریستی ملی و مذهبی و همه جریانات مافیایی در چهار گوشه جهان، بار دیگر فرصت و زمینه را برای اجرای طرح های غیرانسانی خود مناسب دیدند و جهان را آن چنان بر ساکنان کره زمین ناامن ساختند که در تاریخ معاصر بشر بی سابقه بوده است. بمب گذاری در قطارها، هتل ها و مراکز توریستی، اتوبوس ها و استفاده از هواپیماها با مسافران برای عملیات تروریستی تا آزمایش آخرین سلاح های کشتار جمعی در افغانستان و عراق و ادامه کشتار مردم فلسطین توسط رژیم اشغالگر و تروریست اسرائیل، تنها گوشه هایی از عملیات هولناک دولت ها و دار و دسته های تروریستی در جهان است.

از سوی دیگر سیستم سرمایه داری جهانی، دستاورهای طبقه کارگر و توده های محروم و تحت ستم را پشت سر هم پس می گیرد و در راستای منافع سرمایه و سرمایه داران و دولت هایشان دسته دسته کارگران و کارمندان را اخراج می کنند و به شکل وحشیانه ای بر شدت کار می افزایند.

زنان، به ویژه در زیر حاکمیت دولت های ملی و مذهبی در خاورمیانه و آفریقا به طور سیستماتیک سرکوب می گردند. بنا به آمارهای رسمی نهادهای بین المللی، بیشترین قربانیان سرکوب ها و جنگ ها کودکان و زنان هستند.

قوانین جهان شمول مانند قوانین ۱۹۵۱ ژنو درباره پناهندگان را نقض می کنند و ده ها هزار انسانی که از ستم ها و سرکوب ها و جنگ ها می گریزند تا به یک زندگی امن و شایسته انسانی در گوشه دیگری از جهان دست پیدا کنند با مشکلات جدید رو به رو می گردند و به قول معروف از چاه درنیامده در چاله می افتند.

بنابراین ادعاهای سیستم سرمایه داری جهانی به سرمدمداری ایالات متحده آمریکا مبنی بر مبارزه علیه تروریسم و برقراری امنیت و دموکراسی، به ویژه در منطقه بحرانی خاورمیانه، ادعایی کاذب و اساسا در جهت منافع اقتصادی، سیاسی و نظامی شان است که در این راه به هر جنایتی دست می زنند.

مسلمانان ها در مقابل انواع و اقسام ستم های جنسی و ملی و استثمار سیستم سرمایه داری جهانی، قربانیان زبان بسته ای نیستند که این سیستم بی رحم هر بلایی خواست سرشان بیاورد. این هم واقعی است که فرد به تنهایی نمی تواند در مقابل کارفرمایان و دولت های تا دندان مسلح آن ها مقاومت کند و از حق و حقوق انسانی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی خود دفاع نماید. اما اگر طبقه کارگر و همه انسان های محروم و تحت ستم و آزادی خواه در یک صف طبقاتی متحد شوند؛ تشکل های ضدسرمایه داری و طبقاتی خود را به وجود آورند؛ در راستای منافع طبقاتی خود به مبارزه متشکل و هدف مند علیه کلیه ناملایمات و ستم های سیستم سرمایه داری بپردازند، نه تنها این سیستم ستم گر و دولت هایشان را به عقب نشینی های جدی وادر کرده و مطالبات اقتصادی و اجتماعی خود را بر آن ها تحمیل خواهند کرد، بلکه توازن قوای طبقاتی را به نفع خود تغییر داده و زمینه را نیز برای دست بردن به ریشه های روابط و مناسبات سرمایه داری مساعد خواهند ساخت.

اکنون که رژیم های اسلامی ترکیه و ایران، برای سرکوب هر چه شدیدتر مردم انقلابی کرد و برای قربانی کردن پناهجویان کرد، ترک و ایرانی در حال دسیسه سازی هستند، از یک سو باید رابطه بسیار نزدیک تری بین کارگران و کمونیست های دو کشور برقرار گردد و از سوی دیگر همه جریانات کارگری، سوسیالیستی، همه نهادهای مدافع پناهندگان و همه انسان های پیشرو و آزادی خواه، از هر امکان و از هر طریقی که خود صلاح می دادند برای افشای توطئه های رژیم های ترکیه و ایران، در دفاع از مردم انقلابی کرد و پناهجویان اقدامات جدی به عمل آورند.

اکنون حدود ۱۳۰۰ پناهنده ایرانی و کرد که در سال های اخیر از طریق کردستان عراق وارد ترکیه شده اند، در این کشور با مشکلات اقتصادی و امنیتی دست به گریبان هستند. در هفته های اخیر این دسته از پناهجویان توسط پلیس و مقامات امنیتی ترکیه، تهدید دیپورت به ایران شده اند. متأسفانه در چنین اوضاع و احوالی دفتر کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل در این کشور، از وظایف خود در قبال پناهندگان سر باز می زند و بیشتر نقش نظاره گر را ایفا می کند. در حال حاضر نیز با توجه به گسترش روابط امنیتی و امضاء قراردادی در این مورد مابین ترکیه و ایران، موقعیت پناهجویان نگران کننده و در معرض خطر بیشتری قرار می گیرند.

ذکر این نقطه ضروری است که به دلیل این که رژیم ترکیه، برای عضویت در اروپای واحد به هر دری سر می زند، افشای سیاست های ترکیه در نزد نهادهای بین المللی و به خصوص در نزد احزاب و سازمان های پارلمانی چپ و مدافع حقوق پناهندگان به درجه زیادی می تواند این رژیم را به عقب نشینی وادار سازد. همچنین باید خواهان این بود که دولت های پناهنده پذیر غرب، سهمیه بیشتری از پناهجویان ایرانی و کرد در ترکیه را بپذیرا شوند.

برای جلوگیری از هر گونه تعرض به پناهجویان ایرانی و کرد در ترکیه، ضروری است که اقدامات سیاسی و حقوقی گسترده ای مانند تماس با احزاب چپ، نهادهای مدافع حقوق بشر و اتحادیه های کارگری ترکیه و کشورهای غربی و کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل در ژنو و کشورهای دیگر پیش گرفته شود.

نهایت امر آن چه که در بالا در مورد روند مذاکرات نهان و آشکار رژیم های ترکیه و ایران بر سر مخالفین همدیگر و توافق امنیتی ملاحظه کردید هشداردهنده و نگران کننده است. بنابراین تا دیر نشده از هم اکنون باید اقدامات جدی و کمپین وسیعی را سازمان داد. شاید فردا دیر شده باشد!

۳۱ جولای ۲۰۰۴